

انقلاب اسلامی؛ مقدمه‌ی ظهور

مقدمه

آیات فراوانی از قرآن به زندگی انبیاء الهی پرداخته است؛ مثلاً داستان حضرت موسی و قوم بنی اسرائیل حدود یک‌ششم قرآن را در بر گرفته است. نام حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله تنها حدود چهار یا پنج بار در قرآن آمده است در حالی که نام حضرت موسی ۱۳۶ بار در قرآن ذکر شده است. قطعاً این موضوع پیام خاصی برای ما دارد. قرآن کتابی مختصر و مفید است که به دنبال قصه گفتن نیست و تنها بخش‌های مهم و مفید هر داستان را ذکر می‌کند؛ مثلاً حضرت موسی با همسرش به مصر می‌رفتند که زمان وضع حمل همسر ایشان می‌رسد. حضرت موسی نوری در دوردست می‌بیند و به سمت نور می‌رود تا آتش یا کمک برای خانواده‌اش بیاورد؛ سپس ایشان در آنجا پیامبر می‌شود و خدا به او دستور می‌دهد که به سمت فرعون برود. (طه / ۱۳ و ۱۲) قرآن ادامه‌ی داستان را تعریف نمی‌کند و به این مسئله نمی‌پردازد که آیا وضع حمل صورت گرفته، جنسیت بچه چه بوده یا اینکه بچه سالم بوده است یا خیر؛ پس وقتی این کتاب مختصر، ۱۳۶ بار نام حضرت موسی و داستان بنی‌اسرائیل و سایر انبیاء را ذکر می‌کند هدفی دارد. در واقع این آیات، آیات تمدن‌ساز هستند و به ما می‌آموزند که چگونه حکومت خداوند را در زمین برپا کنیم. حکومت الهی باید در زمین شکل بگیرد و خدا در آیات مختلف از جمله در آیه‌ی پنج سوره‌ی قصص، این مسئله را وعده داده است.

سیر شکل‌گیری حکومت الهی

تشکیل حکومت الهی در زمین سیری دارد. حرف‌های حکومت کفر که در مقابل حکومت الله است، سلبی نیست. حکومت کفر الگوی اقتصادی، سیاسی، قوه‌ی قضاییه و قوانین خود را دارد. معماری و روابط اجتماعی و حتی نظام آموزش و تربیت خودش را دارد و این نظام را به تدریج بر جامعه حاکم می‌کند به نحوی که بچه‌هایی که در این نظام به دنیا می‌آیند دیگر قابل تغییر نیستند. در چنین شرایطی است که حضرت نوح برای قوم خود درخواست عذاب می‌کند و به

خدا می گوید: «نوح گفت: "پروردگارا هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار؛ چراکه اگر آنها را باقی بگذاری، بندگان را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی آورند."»
(نوح / ۲۷ و ۲۶)



✓ شکستن ابهت کفر

نخستین کاری که انبیاء الهی در مبارزه با حکومت کفر در پیش می گرفتند، پیدا کردن نخ تسبیح نظام کفر (یعنی چیزی که حکومت کفر، حول محور آن شکل گرفته است) و تلاش برای پاره کردن آن بود؛ مثلاً فرعون مردم را حول کهنات جمع کرده بود و حضرت موسی با معجزه خود (تبدیل عصایش به اژدها) هیمنه حکومت کفر فرعون را که بر مبنای سحر شکل گرفته بود، درهم شکست.

✓ امت سازی

در مرحله دوم و پس از پاره کردن نخ تسبیح کفر، انبیاء الهی بر مبنای فطرت، عقلانیت، انسانیت و اخلاق دانه های تسبیح از هم پاشیده را تمیز می کردند و آلودگی را از آنها می زدودند.

✓ تشکیل حکومت الهی

در مرحله سوم، نخ تسبیح جدیدی برای آنها می آوردند و آنان را حول محور خدا جمع می کردند؛ مثلاً مردم در زمان رسول الله، حول بت پرستی و سبک زندگی جاهلی جمع بودند؛ اما رسول الله آنها را حول برادری و برابری جمع کرد؛ پس انبیای الهی سه کار انجام می دادند:

۱. شکستن ابهت کفر؛

۲. امت سازی؛

۳. تشکیل حکومت الهی بر مبنای مهره های تربیت شده.

کارشکنی منافقان

مرحله سوم، سخت ترین مرحله است؛ زیرا همزمان با کار اولیای خدا و در زمان تشکیل حکومت اسلامی مشکلی به اسم نفاق پیش می آید؛ یعنی مهره هایی که درست توجیه نشده اند

و به سبک زندگی قبلی خود عادت دارند، ساختار جدید را قبول نمی‌کنند؛ اما وارد نظام می‌شوند و مشکلاتی ایجاد می‌کنند به اینها منافق می‌گویند. دو نوع منافق داریم:

۱. منافقی که درست تربیت نشده است و نمی‌داند مشکل دارد برای همین نمی‌تواند درست دینداری کند. این منافقین باید به مرور زمان تربیت بشوند؛
۲. دسته‌ی دوم کسانی هستند که به منافع خود توجه دارند و به آنها نفوذی می‌گویند؛ یعنی هر جا که منافعشان باشد به همان طرف می‌روند.

قرآن به پیامبر گوشزد می‌کند که مراقب منافقان باشد و اول از همه مراقب اعراب بادیه‌نشین باشد؛ زیرا این جماعت طبق حرف و فتوای شیخ عشیره‌ی خود ایمان آورده‌اند و ایمان آنها قلبی نیست و دوم، عده‌ای که در اطراف پیامبر در مدینه و از صحابه هستند. در مرحله‌ی شکل‌گیری حکومت الهی، انبیاء باید ساختار الهی که با فطرت و عقلانیت جور است را جایگزین نظام کفر کنند و آن را شرح و بسط دهند. پیامبر ساختار زندگی اعراب جاهلی را به هم ریخت. زنده‌به‌گور کردن دختران، ازدواج‌ها و تعصبات عشیره‌ای جاهلانه، شأن اجتماعی شاعران و نژادپرستی از جمله رسوم غلطی بود که پیامبر با آنها مبارزه کرد. ۱۳ سال طول کشید تا پیامبر به مرحله‌ی امت‌سازی و تشکیل حکومت برسد. درست از این زمان است که مشکلات و آزار منافقین آغاز می‌شود؛ پس نفاق باید کنترل می‌شد و این اوج دشواری کار بود. نفاق را نمی‌شود با شمشیر از بین برد؛ زیرا به طرز فکر مربوط می‌شود؛ پس باید آن را با استدلال و منطق درست کرد و راهی در پیش گرفت که منافقین نتوانند افکار منفی‌شان را انتشار دهند. روش مبارزه این بود که به منافقان بیابان‌نشینی که نفاق آنها در نتیجه‌ی نشناختن دین بود، آگاهی و آموزش می‌دادند و افراد نفوذی را با اعطای مسئولیت و جلوی چشم بودن کنترل می‌کردند تا خراب‌کاری نکنند.

عاشورا؛ قیامی علیه علنی شدن کفر

پس از پیامبر برخلاف خواست حضرت و با وجود امیرالمؤمنین، حکومت به دست منافقین افتاد. در چنین وضعی، وظیفه‌ی حضرت علی این بود که کاری کند تا حکومت نفاق به کفر تبدیل نشود. موفقیتی که اهل بیت در تشکیل حکومت الهی به دست آوردند، توسط هیچ کدام از انبیاء الهی به دست نیامده است؛ زیرا بعد از حضرت موسی و حضرت سلیمان و حضرت ابراهیم مردم دوباره بت پرست شدند؛ اما در زمان حکومت اهل بیت، کفر آشکار نشد. تا پیش از امام حسین منافقان ظاهر اسلام را حفظ می‌کردند؛ اما یزید می‌خواست کفر را علنی و آشکار کند و به همین علت امام حسین عاشورایی درست کرد که دیگر کسی جرأت چنین کاری را پیدا نکند.

امام حسین قیام کرد تا جامعه دوباره به کفر برنگردد و دیگر کسی بت نپرستد و امام معصوم را علنی نکشد. در زمان انقلاب ما، ۱۲۰۰ سال از غیبت اهل بیت گذشته بود و رژیم پهلوی در حال علنی کردن کفر بود. در چنین اوضاعی، انقلاب اسلامی تمام نقشه‌های آنان را نقش بر آب کرد.

دستور قرآن در خصوص رجوع به علما

خداوند در آیه‌ی ۴۴ سوره‌ی مائده می‌فرماید: «ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن هدایت و نور بود و پیامبران که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند با آن برای یهود حکم می‌کردند و (همچنین) علما و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می‌نمودند...» خدا در این آیه به قوم یهود می‌فرماید: «در زمانی که پیامبر در میان آنها نیست یا به او دسترسی ندارند باید به سراغ علما و روحانیون دینی خود بروند و از آنها حکم بگیرند تا آن مقدار از احکام الهی که مانده است، حفظ شود.» ما نیز در زمان غیبت امام معصوم همین کار را می‌کنیم؛ یعنی به سراغ علما و ولایت فقیه می‌رویم برای همین است که عده‌ای با ما دشمن هستند و گرنه دغدغه‌ی دشمنان، نماز خواندن ما نیست. وقتی به این فهم برسیم که یکی مثل امام حسین با یکی مثل یزید بیعت نمی‌کند و تفکر حسینی در جامعه حاکم شود برای ابرقدرت‌ها مشکل‌ساز می‌شویم و الا ملکه‌ی انگلیس هم از عزاداری بی‌اثر شیعه‌ی انگلیسی حمایت می‌کند.

نقش ایرانیان در ظهور

در نشانه‌های ظهور در کتب یهودیان و اهل سنت آمده است که ایرانی‌ها کار ظهور را یک‌سره می‌کنند. خداوند در آیات ۵۴ و ۵۵ سوره‌ی مائده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از آیین خود بازگردد (به خدا زیانی نمی‌رساند) خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری هراسی ندارند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و (فضل) خدا وسیع و خداوند داناست.» بعد از نزول این آیه، صحابه از پیامبر پرسیدند که اینها چه کسانی هستند؟ پیامبر به شانه‌ی حضرت سلمان زدند و گفتند: «اینها از قوم سلمانند.»

همچنین در «الملاحم والفتن» آمده است که پرچم‌های سیاهی از خراسان وارد شامات می‌شود و آنها وقتی با هم حرف می‌زنند به زبان فارسی می‌گویند: «بکش! بکش!» خدا در آیه‌ی ۵۶ سوره‌ی مائده می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛ «و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند؛ (زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است» پس اگر ما بندگی کنیم، خدا با ماست (من كان الله كان الله له). خدا در سوره‌ی کهف می‌فرماید: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا؛ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»؛ «بگو: "آیا به شما خبر دهیم که زیان‌کارترین [مردم] در کارها چه کسانی هستند؟" آنها که تلاش‌هایشان در زندگی دنیا گم [و نابود] شده با این حال، می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند» درست مانند آن وهابی یا تکفیری که فکر می‌کند به بهشت می‌رود. مبادا جایی کاری انجام دهیم و پیش خود فکر کنیم که داریم دینداری می‌کنیم؛ اما به ضرر دین تمام شود و به اهل بیت ضربه بزنیم.

سخنرانی استاد رائفی پور

موضوع: انقلاب اسلامی؛ مقدمه‌ی ظهور

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی پور، دی ۹۷ قزوین

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مصاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.mahdiaran.com)